

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده: علوم انسانی

رساله دکتری رشته: فلسفه گرایش: حکمت متعالیه

عنوان رساله:

«عقل عملی نزد کانت و ملاصدرا و بررسی نتایج فلسفی آن»

نام دانشجو:

حسین قاسمی

استاد راهنما:

دکتر رضا اکبریان

استاد مشاور(اول):

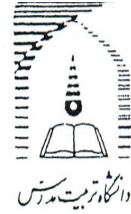
دکتر محمد محمدرضائی

استاد مشاور(دوم):

دکتر حسین هوشنگی

ماه و سال دانش آموختگی(دفاع)

شهریور ۱۳۹۱



بسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضای هیات داوران  
واحدی خود را با عنوان:  
رساله دکتری در زمینه  
تکمیل درجه دکتری (PH.D) پیشنهاد می کنند.

مختم آقای حسن ماسمی

در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۲۸

اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استاد	رضا اکبری	۱- استاد راهنمای اصلی
			۲- استاد راهنمای دوم
	استاد	محمد محمد رضایی	۳- استاد مشاور اول
	دانشیار	دین نوری	۴- استاد مشاور دوم
	استاد	حسین کلباسی پور	۵- استاد ناظر
	دانشیار	اسدالله محمدی	۶- استاد ناظر
	استادیار	حسین زargar	۷- استاد ناظر
			۸- استاد ناظر
	دانشیار	امیرحسین گهسی	۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل رساله دکتری نگارنده در رشته فلسفه است که در سال ۱۳۹۱ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر اکبریان، مشاوره جناب آقای دکتر محمد محمدرضائی و مشاوره جناب آقای دکتر حسین هوشنگی از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

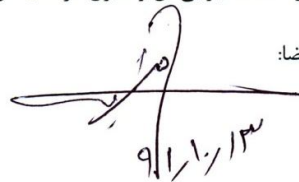
ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب حسین قاسمی دانشجوی رشته فلسفه مقطع دکتری

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم. نام و نام خانوادگی: حسین قاسمی

تاریخ و امضا:



۹۱/۱/۱۳

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد. تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

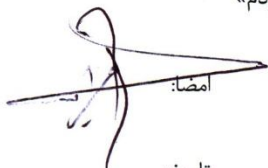
ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب حسب قاسم‌ی دانشجوی رشته فلسفه ورودی سال تحصیلی ۸۶ مقطع دکتری دانشکده علوم انسانی متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:



تاریخ:

۹۶/۱/۴

تقدیم به تمام دوستداران حکمت و معرفت که  
برای تحقق زندگی حکیمانه تلاش می کنند.

## تشکر و قدردانی:

در اینجا لازم است از تمام کسانی که در به ثمر رسیدن این رساله نقش آفرینی داشتند تشکر و قدردانی کنم. خصوصاً از استاد محترم دکتر رضا اکبریان که در جهت گیری کلی و محتوایی رساله اینجانب را راهنمایی کردند تشکر می‌کنم. همچنین از دکتر محمد محمدرضائی و دکتر حسین هوشنگی که با مشاوره‌ی خویش اینجانب را نسبت به ظرافتهای علمی رساله و در معرفی منابع و طراحی آن یاری دادند قدردانی می‌کنم. در پایان لازم است از دیگر اساتید گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس نیز تشکر کنم.

## چکیده:

کانت با تفسیر عقل عملی به مثابه واقعیتی پیشینی، تصویری از اخلاق ارائه می‌دهد که وجهه‌ی آرمان-گرائی آن بمراتب قوی‌تر از وجهه‌ی واقعی آن است. در ملاصدرا عقل عملی به مثابه پدیده‌ی ذومراتب با واقعیات انسانی همخوانی داشته و مصلحت میزان برانگیختن اراده قرار می‌گیرد. در نتیجه احکام به تبع مصالح به «کلی، ضروری، جزئی و غیر ضروری» تقسیم می‌شوند. چنین تلقی از اخلاق بهتر از تلقی مطلق‌گرایانه‌ی کانت می‌تواند مشکل نسبیت را حل کند.

کانت با اعتبار بخشی به «قانون اخلاق» و مبتنی کردن امکان گزاره‌های اخلاقی بر «اراده‌ی آزاد»، صدق و عینیت این گزاره‌ها را معلول انطباق آنها با قانون اخلاق می‌داند. اراده آزاد به مثابه علیت مطلق تنها بکار توجیه امکان این گزاره‌ها می‌آید. این امر سبب می‌گردد تا این گزاره‌ها با چالش ثنویت ذهن و عین مواجه گردند. اما در ملاصدرا گزاره‌های عملی با تکیه به وحدت جمعی نفس و اتحاد رقیقه و حقیقه، با ذات نفس و حقیقت واحده‌ی وجود مرتبط است. قهراً صدق این گزاره‌ها معلول ارتباط آنها با مراتب هستی بوده و از این چالش بدور خواهند بود.

کانت برای اثبات جاودانگی گزاره‌های اخلاقی از مفهوم «جاودانگی نفس» کمک می‌گیرد. این مفهوم نیز تنها بکار توجیه چگونگی تحقق فعل اخلاقی در زندگی درازمدت انسان می‌آید. این امر سبب می‌گردد تا جاودانگی اخلاق در قلمرو پدیدار اما به پشتوانه ناپدیدار توجیه گردد. اما در ملاصدرا جاودانگی فعل حکیمانه از طریق «ملکات نفسانی» و بر اساس «وحدت شخصی نفس» و به پشتوانه «علم حضوری به ذات» تبیین می‌شود. قهراً جاودانگی اخلاق مستقیماً بر دریافت نفس‌الامری اشیاء مبتنی خواهد بود.

کانت با مبتنی نمودن اخلاق بر اصول موضوعه، بناچار تمام نتایج آن مانند «جمعی بودن اخلاق» و «حقوق متقابل شهروند و حاکم» را در قلمرو پدیدار اما به پشتوانه ناپدیدار تفسیر خواهد کرد. اما در ملاصدرا شناخت ذات ممکن است، در نتیجه تلقی «فردی و اجتماعی» از اخلاق و یا مبتنی کردن



جامعه ایده‌آل بر «خلیفه الهی و روابط متقابل خلیفه با مردم»؛ همگی ریشه در درک وجودی دارد که حکیم متعالیه مستقیماً از ذات موجودات دارد.

### کلید واژه‌ها:

عقل عملی، کانت، ملاصدرا، قانون اخلاق، مصلحت، اراده‌ی فعال، جاودانگی، اصل موضوع، آزادی، جامعه مدنی، خلیفه.

## فهرست مطالب

چکیده

### فصل ۱: کلیات تحقیق

- ۱-۱. مقدمه و بیان مسأله ----- ۲
- ۲-۱. سؤالات تحقیق ----- ۷
- ۳-۱. فرضیات تحقیق ----- ۷
- ۴-۱. سابقه‌ی تحقیق ----- ۸
- ۱-۴-۱. (مقالات) ----- ۸
- ۲-۴-۱. (رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها) ----- ۱۲
- ۳-۴-۱. (کتاب‌ها) ----- ۱۴
- ۵-۱. روش تحقیق ----- ۱۶
- ۶-۱. سازمان تحقیق ----- ۱۶
- ۷-۱. کلید واژه‌های تحقیق ----- ۱۸
- ۱-۷-۱. حکمت عملی و نظری ----- ۱۸
- ۲-۷-۱. نظر و عمل ----- ۲۰
- ۳-۷-۱. قانون اخلاق ----- ۲۰
- ۴-۷-۱. ملکات اخلاقی ----- ۲۱
- ۵-۷-۱. اراده ----- ۲۲
- ۶-۷-۱. اوامر تنجیزی و تعلیقی ----- ۲۲
- ۷-۷-۱. حقائق و اعتباریات ----- ۲۳
- ۸-۷-۱. خیر و شر ----- ۲۴
- ۹-۷-۱. اصول موضوعه عقل عملی ----- ۲۵
- ۸-۱. پیشینه عقل عملی ----- ۲۶

### فصل ۲. چیستی عقل عملی ----- ۴۰

- ۱-۲. چیستی عقل عملی نزد کانت ----- ۴۱
- ۱-۱-۲. عقل عملی به عنوان کارکرد عملی عقل محض ----- ۴۱
- ۱-۱-۱-۲. معنای سنتی عقل و نحوه‌ی تحصیل معرفت ----- ۴۲

- ۲-۱-۱-۲. نوآوری کانت در تفسیر عقل و نحوه‌ی تحصیل معرفت ----- ۴۲
- ۲-۱-۱-۳. اطلاق قوه نفسانی به عقل عملی ----- ۴۵
- الف. نقد دوم و چالش وحدت نظر و عمل ----- ۴۵
- ب. نقد سوم و مرزبندی تمایلات عقل ----- ۴۵
- ۲-۱-۲. عقل عملی به عنوان ضرورت دهنده اراده محض (pure will) ----- ۴۹
- ۱-۲-۱-۲. خیریت ذاتی اراده‌ی خیر ----- ۴۹
- ۲-۲-۱-۲. وظیفه محوری ----- ۵۲
- ۳-۲-۱-۲. حذف نتایج در فعل اخلاقی ----- ۵۴
- ۴-۲-۱-۲. عمل از سر احترام به قانون ----- ۵۵
- ۳-۱-۲. عقل عملی به عنوان اعطاکننده‌ی قانون اخلاقی ----- ۵۶
- ۴-۱-۲. اعتبار اصول پیشینی عملی به عنوان قانون ----- ۵۹
- ۱-۴-۱-۲. فعل انسان متمایز از فعل طبیعت و موجود مقدس ----- ۶۰
- ۲-۴-۱-۲. تمایز میان اصول عینی (پیشینی) و ذهنی (تجربی) ----- ۶۱
- ۳-۴-۱-۲. تمایز میان دستور (maxim) و قانون (law) ----- ۶۲
- ۴-۴-۱-۲. کلیت و ضرورت، ویژگی‌های قانون اخلاق ----- ۶۳
- ۵-۴-۱-۲. اعتبار حکم تنجیزی به عنوان قانون عملی ----- ۶۴
- ۵-۱-۲. اعتبار اصول تجربی عملی به عنوان دستور ----- ۶۶
- ۱-۵-۱-۲. اعتبار احکام تعلیقی به عنوان دستور نه قانون ----- ۶۶
- ۲-۵-۱-۲. امر مهارتی و عدم ابتناء آن بر خرد عام ----- ۶۷
- ۳-۵-۱-۲. امر احتیاط و ابتناء آن بر تجربه ----- ۶۷
- ۶-۱-۲. تفسیر لذت و الم بر اساس اصول تجربی عملی ----- ۶۸
- ۱-۶-۱-۲. لذت و الم امری بیگانه با فلسفه اخلاق ----- ۶۸
- ۲-۶-۱-۲. لذت و الم، غایتی ذهنی ----- ۶۹
- ۳-۶-۱-۲. لذت امری سازگار با خیر ابزاری ----- ۷۰
- ۴-۶-۱-۲. ابتناء لذت و الم بر تجربه ----- ۷۱
- ۵-۶-۱-۲. انگیزه احترام امری متمایز از لذت ----- ۷۲
- ۷-۱-۲. خودآئینی اراده منشأ قانون در عقل عملی ----- ۷۳
- ۱-۷-۱-۲. مفاد خودآئینی اراده ----- ۷۴
- ۲-۷-۱-۲. چگونگی دستیابی به خودآئینی اراده ----- ۷۴
- ۳-۷-۱-۲. دیگرآئینی ----- ۷۵
- ۴-۷-۱-۲. نقد اخلاق مبتنی بر لذت ----- ۷۵
- ۵-۷-۱-۲. نقد اخلاق مبتنی بر احساس اخلاقی ----- ۷۶

- ۶-۷-۱-۲. نقد اخلاق مبتنی بر مفهوم کمال ----- ۷۶
- ۷-۷-۱-۲. نقد اخلاق مبتنی بر اراده خدا ----- ۷۷
- ۸-۱-۲. توجیه امر تنجیزی از طریق آزادی (اراده‌ی آزاد) ----- ۷۸
- ۱-۸-۱-۲. احکام تحلیلی و تألیفی ----- ۷۸
- ۲-۸-۱-۲. هویت احکام اخلاقی ----- ۷۹
- ۳-۸-۱-۲. احکام اخلاقی تعلیقی و تنجیزی ----- ۸۰
- ۴-۸-۱-۲. امکان توجیه اصل خودآئینی اراده یا امر تنجیزی ----- ۸۱
- ۵-۸-۱-۲. تحلیلی یا تجربی بودن اوامر تعلیقی ----- ۸۱
- ۶-۸-۱-۲. آزادی به عنوان حدّ سطر در گزاره‌ی تنجیزی ----- ۸۲
- ۲-۲. چيستی عقل عملی نزد ملاصدرا ----- ۸۴
- ۱-۲-۲. عقل عملی به عنوان قوه‌ای نفسانی با کارکردی متفاوت ----- ۸۴
- ۱-۱-۲-۲. کاربرد عقل بصورت مشترک لفظی ----- ۸۴
- ۲-۱-۲-۲. کاربرد عقل بصورت تشکیکی ----- ۸۵
- ۳-۱-۲-۲. عقل عملی به عنوان قوه‌ای نفسانی ----- ۸۶
- ۴-۱-۲-۲. عقل عملی جزء اشتدادی نفس ----- ۸۸
- ۵-۱-۲-۲. کارکرد متفاوت عقل عملی ----- ۹۵
- ۲-۲-۲. تبعیت اراده از مصالح و مفاسد نفس‌الامری ----- ۹۸
- ۱-۲-۲-۲. غایتمندی موجودات ----- ۹۸
- ۲-۲-۲-۲. غایتمندی حکمت ----- ۱۰۲
- ۳-۲-۲-۲. خیر محض و شر بالقیاس ----- ۱۰۲
- ۴-۲-۲-۲. خیر حقیقی و اعتباری ----- ۱۰۳
- ۵-۲-۲-۲. نقد مرجحیت اراده ----- ۱۰۴
- ۶-۲-۲-۲. ابتناء فعل ارادی انسان بر مصالح ----- ۱۰۵
- ۷-۲-۲-۲. مراحل عقل عملی و احکام آن ----- ۱۰۶
- ۳-۲-۲. عقل عملی انشاء کننده احکام اخلاقی ----- ۱۱۱
- ۱-۳-۲-۲. اشتدادی بودن حقیقت انسانی ----- ۱۱۲
- ۲-۳-۲-۲. اراده انسان پدیده‌ای اشتدادی ----- ۱۱۷
- ۳-۳-۲-۲. مقام جمعی انسان کامل ----- ۱۲۰
- ۴-۲-۲. اعتبار کلیات عملی از طریق حقائق کلی نفس‌الامری و اشتدادپذیر ----- ۱۲۱
- ۱-۴-۲-۲. فعل انسان هماهنگ با فعل خدا و طبیعت ----- ۱۲۲
- ۲-۴-۲-۲. حقائق ذاتی و نفس‌الامری مبنای جهان‌شمولی اخلاق ----- ۱۲۴
- ۵-۲-۲. امکان احکام عملی جزئی و غیر ضروری ----- ۱۲۸

- ۱۲۸ ----- ۲-۲-۵-۱. کثرت‌پذیری انسان در مراتب نزولی
- ۱۲۸ ----- الف. غریزه منشأ کثرت
- ۱۲۹ ----- ب. اکتساب منشأ کثرت
- ۱۳۳ ----- ۲-۲-۵-۲. کثرت‌پذیری مصالح در حرکت اشتدادی (قوس صعود)
- ۱۳۷ ----- ۲-۲-۶. لذت و الم، پدیده‌ای ادراکی و ذومراتب
- ۱۴۱ ----- ۲-۲-۷. اشتداد اراده منشأ حکم عملی
- ۱۴۴ ----- ۲-۲-۸. توجیه احکام عملی از طریق اتحاد حقیقه و رقیقه، و شؤون ذاتی انسان
- ۱۴۴ ----- ۲-۲-۸-۱. وجود محمولی مبنای توجیه قضایای فلسفی
- ۱۴۶ ----- ۲-۲-۸-۲. ماهیت احکام عملی
- ۱۴۸ ----- ۲-۲-۸-۳. چگونگی توجیه احکام عملی
- ۱۴۸ ----- الف. غایت محض در قوس صعود
- ۱۴۹ ----- ب. قاعده بسیط‌الحقیقه، و اتحاد حقیقه و رقیقه
- ۱۵۲ ----- ج. تشأن و شؤون نفس
- ۱۵۴ ----- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل دوم
- ۱۵۹ ----- **فصل ۳. نسبت عقل عملی با عقل نظری**
- ۱۶۰ ----- ۳-۱. نسبت عقل عملی با عقل نظری در کانت
- ۱۶۰ ----- ۳-۱-۱. وجهی دوگانه مفهوم علیت و اختیار در عقل نظری و عملی
- ۱۶۰ ----- ۳-۱-۱-۱. تعارض احکام در تصور علیت
- ۱۶۱ ----- ۳-۱-۱-۲. انتقال از معنای سلبی علیت به معنای ایجابی از طریق قانون
- ۱۶۲ ----- ۳-۱-۱-۳. ابتناء فهم علیت و آزادی بر معنای عقل محض
- ۱۶۳ ----- ۳-۱-۱-۴. انسان به عنوان عضوی از جهان معقول
- ۱۶۵ ----- ۳-۱-۲. ثنویت ذهن و عین
- ۱۶۵ ----- ۳-۱-۲-۱. ثنویت ذهن و عین در عقل نظری
- ۱۶۶ ----- ۳-۱-۲-۲. فاعل اخلاقی خود بنیاد در عقل عملی
- ۱۶۷ ----- ۳-۱-۳. تمایز قانون اخلاق از قانون طبیعت
- ۱۷۰ ----- ۳-۱-۴. تحقق خیر اعلا و قداست انسان در سیری بی‌پایان
- ۱۷۰ ----- ۳-۱-۴-۱. ماهیت خیر اعلا
- ۱۷۲ ----- ۳-۱-۴-۲. انسان عضوی از جهان معقول
- ۱۷۳ ----- ۳-۱-۴-۳. قداست‌یافتن انسان با فرض استمرار موجود عاقل
- ۱۷۵ ----- ۳-۱-۵. متناسب نمودن سعادت (خیر طبیعی) با اخلاق توسط خداوند
- ۱۷۸ ----- ۳-۲. نسبت عقل عملی با عقل نظری در ملاصدرا
- ۱۷۸ ----- ۳-۲-۱. تبیین علیت و اختیار از طریق فاعل بالتجلی

- ۱۷۸ ----- ۳-۲-۱-۱. چِستی شناخت، امکان و محدوده‌های آن
- ۱۷۹ ----- ۳-۲-۱-۲. امکان علم به مراتب و شؤون انسان
- ۱۸۲ ----- ۳-۲-۱-۳. اراده، اختیار، آزادی و علیّت، و نسبت آنها با نظام هستی
- ۱۸۵ ----- ۳-۲-۲. وحدت مدرک و مدرک در مقام نظر و عمل
- ۱۸۸ ----- ۳-۲-۲-۱. وحدت عاقل و معقول
- ۱۸۸ ----- ۳-۲-۲-۲. وحدت عاقله عامله و معقوله معموله
- ۱۸۹ ----- ۳-۲-۲-۳. وحدت عامل و معمول (ملکه و ذوالملکه)
- ۱۹۰ ----- ۳-۲-۳. تعامل ادراکات عملی با ادراکات نظری
- ۱۹۰ ----- ۳-۲-۳-۱. حصول مفاهیم اکتسابی و بدیهی به انگیزه جلب منفعت و دفع ضرر
- ۱۹۱ ----- ۳-۲-۳-۲. برهان‌ناپذیری حقیقت وجود به عنوان بدیهی اولی
- ۱۹۲ ----- ۳-۲-۳-۳. مراتب ادراکات نظری و عملی
- ۱۹۳ ----- ۳-۲-۳-۴. ذومراتبی بودن عقل نظری و عملی
- ۱۹۵ ----- ۳-۲-۳-۵. عقل عملی استعلاءبخش ابعاد نظری
- ۱۹۶ ----- ۳-۲-۳-۶. عقل نظری مساعدت‌گر عقل عملی در تشکیل قیاس
- ۱۹۷ ----- ۳-۲-۳-۷. خیال متشخص و عقل بسیط
- ۲۰۰ ----- ۳-۲-۴. تحقق خیر اعلا «سعادت و قداست انسان» از طریق تجرّد مثالی و عقلی
- ۲۰۴ ----- ۳-۲-۵. تطوّرات جوهری انسان تحت تدابیر خدا و حقائق عقلی (مُثل افلاطونی)
- ۲۰۷ ----- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل سوم
- ۲۱۲ ----- **فصل ۴. پیامدهای فلسفی عقل عملی**
- ۲۱۳ ----- ۴-۱-۱. پیامدهای فلسفی عقل عملی نزد کانت
- ۲۱۳ ----- ۴-۱-۱-۱. اخلاق جمعی
- ۲۱۵ ----- ۴-۱-۱-۲. ایمان هویتی اخلاقی
- ۲۱۷ ----- ۴-۱-۱-۳. خودبنیادی انسان
- ۲۱۹ ----- ۴-۱-۱-۴. آزادی انسان‌مدار
- ۲۲۱ ----- ۴-۱-۱-۵. جامعه‌ی مدنی
- ۲۲۶ ----- ۴-۲-۱. پیامدهای فلسفی عقل عملی نزد ملاصدرا
- ۲۲۶ ----- ۴-۲-۱-۱. اخلاق فردی، اجتماعی و باطنی
- ۲۳۲ ----- ۴-۲-۱-۲. ایمان حقیقتی عقلانی و معرفتی
- ۲۳۶ ----- ۴-۲-۱-۳. انسان مثال الهی
- ۲۴۰ ----- ۴-۲-۱-۴. آزادی خدامحور
- ۲۴۴ ----- ۴-۲-۱-۵. جامعه‌ی متعالیه
- ۲۵۴ ----- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل چهارم

۲۵۸ ----- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهائی

۲۶۱ ----- منابع

----- چکیده انگلیسی

فصل اول:

«کلیات»



## ۱.۱. مقدمه و بیان مسأله

کانت در کتاب «نقد عقل محض» معانی مختلفی را برای عقل بر می‌شمارد، اما آنچه که مبنای نقدهای مختلف او قرار می‌گیرد معنای عام و گسترده‌ی عقل است. این تلقی، حاکی از تمایز معانی عقل به تناسب کارکردهای آن است. از دیدگاه کانت عقل عملی<sup>۱</sup> عقل بمعنای کلی کلمه است که به اراده مجهز شده و یا به آن جهت می‌بخشد. چنین عقلی، ذاتی و درونی بوده و منشأ قانون و الزام است. (Kant, 1996, 5:105) در هر حال عقل در تمام کارکردهایش ماهیتی پیشینی و غیر مسبوق به تجربه دارد.

از نظر کانت مفهوم پایه در مکاتب اخلاقی، مفهوم «خیر» است. هر فعلی با انتساب به آن خیر می‌شود. و اراده‌ی خیر، خیر بالذات است. و آن به عنوان امری وجدانی در نهاد همگان وجود دارد. (Ibid, 4:393) متعلق اراده تکلیف است و متعلق تکلیف، قانون است. او برای عقل عملی دو دسته احکام مطرح می‌کند: تعلیقی و تنجیزی<sup>۲</sup>، اما مدعی است که آنچه پاسخگوی خرد همگانی است حکم تنجیزی است. حکم تنجیزی، حکمی کلی و ضروری است که در صورت‌بندی‌های مختلف متجلی می‌شود. حکم تنجیزی حکمی عینی است که اعتبار خود را از اراده‌ی خود مختار انسان بدست می‌آورد، در حالی که احکام تعلیقی اعتبار خود را از تمایلات نفسانی، عوامل محیطی، طبیعت و اراده‌ی الهی می‌گیرند. از نظر کانت افعال انسان، تابع دستور<sup>۳</sup> هستند. این دستورها می‌توانند تابع امر تنجیزی و یا تعلیقی باشند. دستورها تنها در صورتی که تابع امر تنجیزی باشند باعث اعتبار بخشی افعال انسان می‌شوند. (Ibid, 5:30) او همچنین مدعی است که قضا یا احکامی که در حوزه‌ی عقل نظری معنای متحصّلی دارند و می‌توان از آنها در توسعه‌ی شناخت بهره جست؛ احکامی کلی، ضروری و تألیفی ماتقدم است. و در حوزه‌ی عقل عملی مدعی است که احکام آن؛ کلی، ضروری و تألیفی ماتقدم است.

<sup>1</sup> - Practical Reason

<sup>2</sup> - Categorical and Hypothetical Imperatives

<sup>3</sup> - Maxim

حال سؤال این است که آیا نسبتی میان احکام تنجیزی در عقل عملی با احکام تألیفی ماتقدم در عقل نظری وجود دارد؟

بررسی نسبت این دو دسته احکام مبتنی بر بررسی نسبت عقل عملی با عقل نظری است. کانت در «نقد عقل عملی» مدعی است که عقل عملی و نظری از آن جهت که هر دو از قوه‌ی معرفتی واحدی ناشی می‌شوند اشتراک دارند. اما از جهت کارکرد متفاوت‌اند. عقل عملی با اراده‌ای سروکار دارد که مبدء ایجاب‌کننده‌ی آن در عقل است در نتیجه خودش عامل علی است. لذا وظیفه‌اش فراهم ساختن قانون است. در حالی که عقل نظری از موضوعاتی بحث می‌کند که بر فاهمه قابل عرضه‌اند. کانت وحدت قوای نظری و عملی انسان را آرزوی فطری انسان می‌داند اما این وحدت را از طریق مرزبندی دو نظام متفاوت از قوا تبیین می‌کند. عقل نظری از طریق نمونه‌های علوم طبیعی و ریاضی، و عقل عملی از طریق گواهی عقل فطری به «قانون برتر اراده» اثبات می‌شود. (Ibid, 5:90) عقل نظری مبتنی بر پدیدارها بوده و با سازوکار صورتهای شهود و مقولات فاهمه شکل می‌گیرد. و مقوله‌ی نفس بدون آنکه متعلق شناخت قرار گیرد تنها در نظم احکام تاثیر دارد.

او معتقد است که عنصر زمان و استمرار زمانی در قوه‌ی شهود و خیال، عامل تشکیل دهنده‌ی ربط حوادث گذشته، حال و آینده و منشأ ظهور عوامل جبری هستند لکن از آنجا که زمان و تدرج زمانی، اموری پدیداری‌اند قدرت تاثیرگذاری بر فعل عامل را ندارند. در نتیجه عامل در حوزه‌ی عمل از عوامل جبری آزاد است. و خود می‌تواند بدون پیش‌فرض‌های پدیداری، فعل خود را بر اساس تشخیص قوه‌ی عقل عملی انتخاب کرده و شاکله‌ی خویش را با دست خود بنیان نهد. (Ibid, 5:56) حال آیا با چنین مرزبندی می‌توان برای احکام عملی و نظری ارتباطی قائل شد؟

از نظر کانت خواست انسان در عقل عملی انجام تکالیف اخلاقی است. سائقه‌ی مطلق خواهی انسان موجب می‌شود تا انسان طالب خیر اعلا باشد. اما حیات دنیوی کافی برای نیل به آن نیست پس باید انسان از بقاء برخوردار باشد تا به خیر اعلا نائل گردد. بدین ترتیب واقعیت نفس اثبات می‌شود. از طرف دیگر برای توزین کافی میان فضیلت و سعادت به علتی فراطبیعی نیاز است. در نتیجه باور به

وجود خدا برای این امر ضرورت می‌یابد. بدین ترتیب کانت تلاش می‌کند دسترسی انسان به حوزه ذوات معقول را بگونه‌ای به پیش برد که علیت مطلق انسان، وجود نفس و خدا اثبات شود. با توجه به اینکه دستیابی به ذات معقول در عقل عملی از استلزامات ضروری فعل اخلاقی است تا چه میزان می‌توان از واقعیت احکام عملی سخن گفت؟

در حوزه‌های اسلامی عقل عملی و نظری با نفس پیوند ناگسستنی دارند. ملاصدر عقل را وسیله-ی شناخت حق از باطل و مایه‌ی تکمیل ایمان و قرب الهی می‌داند. او پس از برشمردن معانی متعدد عقل، محور شناخت‌های انسان را عقلی می‌داند که در علم‌النفس مطرح می‌شود. از نظر او عقل در علم‌النفس امری تشکیکی است. و شامل عقل بالقوه، بالملکه، بالفعل و بالمستفاد می‌شود. (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۱ ص ۲۲۳-۲۲۸) او عقل عملی را محور علم اخلاق و از مباحث علم‌النفس قلمداد می‌کند. عقل عملی بر خلاف عقل نظری که عهده‌دار درک اشیائی است که در اختیار انسان نیستند، مربوط به درک اشیائی است که تحت اختیار آدمی قرار می‌گیرند. دست‌آورد علمی این دو عقل تحت عنوان «حکمت نظری و عملی» نام گذاری می‌شود. ابن‌سینا عقل نظری را ذاتی نفس و دیگر قوا را خادمان آن دانسته و تفاوت این دو عقل را در ادراک امور کلی و جزئی می‌داند. عقل نظری در امور کلی تصرف کرده و به ادراک آنها می‌پردازد. و عقل عملی به استمداد از عقل نظری و تأمل در رأی کلی، به رأی جزئی منتقل می‌شود. (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۲ ص ۳۵۲) ملاصدرا نیز عهده‌داری ادراک کلیات و جزئیات را در این دو عقل می‌پذیرد اما این دو عقل را بر اساس وحدت ذومراتبی نفس تفسیر می‌کند. او تمام قوا را جزء مراتب نفس معرفی می‌کند. به نظر او نفس انسانی در بدو حدوث از حیث ذات، مبنای حکمت نظری و از حیث تعلقی، مبنای حکمت عملی است. طبق این تفسیر، نفس بوحدتها مبنای رابطه‌ی عقل نظری و عملی قرار می‌گیرد. (ملاصدرا، ۱۴۲۵، ج ۳ ص ۳۲۸)

از دیدگاه ملاصدرا عقل نظری و عملی در آغاز به یکدیگر وابسته‌اند اما به تدریج پس از گذر از مرتبه‌ی هیولانی عقل نظری بر عقل عملی استیلاء یافته و به میزان تجردی که برای فرد سالک حاصل می‌شود، حقیقت ملکوتی انسان از قوه به فعلیت متبدل می‌شود. در این مرحله است که انسان با عقل

نظری تمام رفتارهای خود را شکل می‌دهد. و از این طریق ماهیت و سرشت روحانی خود را می‌سازد. (همان ج ۹ ص ۷۴) بر اساس تقدم وجود بر ماهیت انسان نسبت به رفتارهای خود مختار و آزاد است. انسان از طریق حرکت جوهری ماهیت خود را شکل می‌دهد و عوامل جبری و تاریخی تأثیری در این امر ندارند. ملاصدرا بر اساس قاعده‌ی «بسیط‌الحقیقه» علاوه بر حیات و علم؛ اراده و اختیار را نیز از مراتب مختلفی‌حقیقت انسانی می‌داند. او همچنین احکام حقیقی در عقل نظری را احکامی کلی، ضروری، ذاتی و دائمی می‌داند. این احکام برهان‌پذیر و قابل استدلال بوده و ریشه در نفس‌الامر دارند. و نفس‌الامر نیز حقیقت وجود و وجودات خاص است که خود را به صورت ماهیات در قالب احکام و مفاهیم نمایان می‌سازند. حال این سؤال قابل طرح است که چنین تفسیری از عقل عملی و ادراکات نظری در فلسفه متعالیه چه وضعیتی را برای واقعیت گزاره‌های عملی بدنبال دارد؟

کانت، سه مسأله‌ی اختیار، نفس و خدا را در عقل نظری غیر قابل اثبات، ولی در عقل عملی آنها را به عنوان اصل موضوع می‌پذیرد. او همچنین در عقل عملی همگانی بودن اخلاق را معیار فعل اخلاقی دانسته و از انسان به مثابه غایت فی‌نفسه و ایمان به مثابه امری اخلاقی و از مملکت عام غایات به عنوان جامعه مطلوب سخن می‌گوید. این امر سبب شده است تا تلقی او از اخلاق، ایمان، انسان و سیاست متفاوت از گذشتگان خود باشد. از نگاه او همانگونه که حکومت استبداد سیاسی مردود است حکومت استبداد دینی نیز مردود است. زیرا در هر دو نوع حکومت، آزادی و ارزش شخصی انسان‌ها طرد شده و ترویج دگرآئینی قلمداد می‌شود. (Kant, 1960, p160) بنابراین هویت سیاسی جامعه از طریق اختیار و آزادی انسان‌ها شکل می‌گیرد. و اراده‌ی مردم تاثیر تامّ در انتخاب حاکم دارد.

این در حالی است که ملاصدرا اراده و عمل را از تبعات مباحث وجود قلمداد کرده و آنها را بر اساس فاعل بالتّجلی و عقل بسیط در دو ساحت نظر و عمل امتداد می‌دهد. همچنین بحث از نفس و احکام آن از مباحث وجودی قلمداد شده و در دو ساحت نظر و عمل اشتداد می‌پذیرد. وجود خدا نیز در قالب براهین وجودی خصوصاً برهان صدیقین تبیین شده و با وحدت نفسانی انسان گره می‌خورد. از نگاه ملاصدرا ایمان و دینداری از سنخ معرفت و مراتب نظر و عمل است. بر اساس وحدت تشکیکی